

## **Theism and the Problem of Consciousness: Waiting for Fallacy of the Closure of the Physical**

Aliakbar Kouchakzadeh<sup>\*</sup>, Shahriar Gharibzadeh

Institute for Cognitive and Brain Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

\* Presenting Author, email address: [a.kouchakzadeh@hotmail.com](mailto:a.kouchakzadeh@hotmail.com)

Not only Descartes, but also any theist thinker who faces the problem of consciousness, will face a problem with closure of the physical. In other words, there could not be a theory of consciousness that is compatible both with classical theism and closure of the physical. Therefore, the best strategy for theist thinkers is to follow the fallacy of the closure of the physical. There would be options such as the new forms of interactionist dualism and panpsychism.<sup>1</sup>

**Keywords:** Dualism, Consciousness, Ontology

---

<sup>1</sup> An extended version of this abstract is presented in Persian in the CPR2022: The Future of Philosophy of Religion, held by Iranian Association for Philosophy of Religion, June 14, 2022. The original version is present in the next page.

## خداباوری و مسئله آگاهی: در انتظار خطا بودن بستان امر فیزیکی

علی اکبر کوچک‌زاده<sup>۱</sup> و شهریار غریب‌زاده<sup>۲</sup>

تعارض فاعلیت الهی با علوم طبیعی در مسئله بستان امر فیزیکی مورد بحث قرار گرفته است. فاعلیت الهی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی الهیات سنتی در تعارض جدی با بستان امر فیزیکی قرار دارد. اگر ما در نظر بگیریم که امر فیزیکی به‌وسیله یک چیز یا عامل غیر فیزیکی تحت تأثیر قرار نداشته، ندارد یا نخواهد داشت، نمی‌توان برای فاعلیت الهی هیچ نقشی در نظر گرفت. همان‌طور که نریمانی و همکاران نشان دادند یکی از راه‌های پیش‌رو برای گشودن بستان امر فیزیکی، عاملیت اراده آگاهانه انسانی است (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۹). به این معنی که اگر واقعی بودن تأثیر علی اراده انسانی بر امر فیزیکی پذیرفته شود، راه برای خطا بودن بستان امر فیزیکی گشوده خواهد شد. در نتیجه خطا بودن بستان امر فیزیکی راه برای درستی فاعلیت الهی باز خواهد شد. از طرف دیگر، دیدگاه‌های منطبق با واقعی بودن اراده انسانی در ذیل هستی‌شناسی دوگانه‌انگارانه دنبال می‌شوند: جایی که روح یا امر ذهنی بر امر فیزیکی تأثیر می‌گذارد. لازمه این هستی‌شناسی، واقعی بودن امر ذهنی است که امروزه توسط فیلسوفان ذهن در مسئله آگاهی دنبال می‌شود. مسئله آگاهی در حال حاضر در وضعیتی است که هیچ تصویری برای توضیح تجربه اول شخص توسط اصطلاحات کارکردی وجود ندارد (Chalmers, 2007). این نقص توضیحی توجه‌ها را به سمت ماهیت آگاهی جلب کرده است. اگرچه دیدگاه‌های طبیعی‌انگارانه نیز در باره ماهیت آگاهی مطرح است، در این مقاله قصد داریم به گزینه کلیدی متفکران خدایاوری برای مسئله آگاهی بپردازیم. به نظر ما، این گزینه کلیدی، پرداختن به خطا بودن بستان امر فیزیکی است. این تمایل به‌طور مشهوری قضاوت‌های دکارت را تحت تأثیر قرار داد و به معرفی هستی‌شناسی دوگانه‌انگارانه او منجر شد. به نظر می‌رسد که نه تنها دکارت، بلکه هر شخص خدایاوری، هنگام پرداختن به مسئله آگاهی با مسئله‌ای در باره بستان امر فیزیکی برخورد خواهد کرد. به بیان دیگر، هیچ نظریه‌ای از آگاهی نمی‌تواند وجود داشته باشد که هم با خدایاوری و هم با بستان امر فیزیکی سازگار باشد. بنابراین، بهترین استراتژی برای ارائه یک تبیین از آگاهی که با خدایاوری سازگار باشد، تمرکز بر خطا بودن بستان امر فیزیکی است.

واژگان کلیدی: دوگانه‌انگاری، آگاهی، هستی‌شناسی

۱ دستیار تحقیق، پژوهشکده علوم شناختی و مغز، دانشگاه شهید بهشتی (a.kouchakzadeh@hotmail.com)  
 ۲ دانشیار گروه مدل‌سازی کارکردهای عالی شناختی، پژوهشکده علوم شناختی و مغز، دانشگاه شهید بهشتی (s\_gharibzade@sbu.ac.ir)